■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۱۲ ■ سه شنبه ■ ۱۲ فروردین ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
www.iran-newspaper.com

اذان ظهر ۱۳/۰۸ | اذان مغرب ۱۹/۴۴ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۶ | اذان صبح فردا ۵/۲۴ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۰

سخن روز

امام صادق علیه السلام: مؤمن در سرشتش دروغ و خیانت نیست و دو صفت است که در منافق جمع نگردد: سیرت نیکو و دین شناسی.
بحارالانوار(ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۲۵۱ - تحف العقول ص ۳۶۷

محمدحسین مهدویان:
ما عاشق پایتخت خودمان هستیم

بخشی از خاطره دوران ما شده‌اید. وقتی نیستید دل‌تنگ‌تان می‌شویم و بازگشت‌تان را انتظار می‌کشیم. چطورتا این حد خودتان را در دل مردم جاکرده‌اید؟ خوش به حال شما و دمتان گرم رفقای گُل. راستی، دل خسته از نامهربانی‌ها نباشید. شما بالاتر از تمام تنگ نظری‌ها ایستاده‌اید. ما عاشق پایتخت خودمان هستیم.

بخشی از یادداشت اینستاگرامی این کارگردان در ستایش «پایتخت»

فرهاد فخرالدینی:
تلویزیون حق ندارد از هنرمند یاد نکند

حداقل دستمزدی که هنرمند انتظار دارد این است که از او یادی کنند. تلویزیون که دستمزدی نمی‌پردازد باید حداقل از نظر معنوی یادی از صاحب اثر کند. تلویزیونی که برای وقت خودش آنقدر ارزش قائل است که از آگهی‌های تجاری این میزان پول می‌گیرد باید برای زمان و هنر دیگران هم ارزش قائل باشد.

از مصاحبه ویدیویی این آهنگساز با موسیقی ما

بهاری هست
بهاری که با شاخه‌ها و
شکوفه‌هایش
فرو می‌آید
در میله میله میله‌های ایستاده
در برابر ما.

رویاها برگشته‌اند/
آرش نصرت‌الهی/ نشر چشمه

نـــگاره
فیروزه مظفری

در خانه می‌مانیم

کتاب‌های کودک را با صدای بلند بخوانید

نگاه روز

مریم محمدخانی
دبیراجرایی فهرست لاک‌پشت پرنده

این روزها گاهی به کلاس کتابخوانی مدرسه فکر می‌کنم، دلم تنگ شده برای اینکه کتابی که دوست داشتم بگذارم توی کیفم تا ببرم سر کلاس و با بچه‌ها جمع‌خوانی کنیم. صداهامان را عوض کنیم، جای شخصیت‌ها حرف بزنیم و بخندیم.

گاهی فکر می‌کنم یعنی شاگردانم این روزها کتاب هم می‌خوانند؟ نمی‌دانم. اما در خیالم دوباره سرکلاس برایشان کتاب می‌خوانم، اگر کتاب تصویری داشته باشد نشان‌شان می‌دهم، صدایم را عوض می‌کنم و به صورتشان نگاه می‌کنم که محو داستان شده‌اند، شادی را، غم را، ترس را پابه‌پای شخصیت داستان تجربه می‌کنند، با هم و درکنار هم. در فضای امن کلاس به رؤیاهای بی‌مرز سفر می‌کنند و خاطره‌ای جمعی می‌سازند. بلندخوانی کتاب کودک این فایده را دارد، کمک می‌کند تا افراد ساعتی فارغ از هیاهوی دنیای بیرون حسی مشترک را تجربه کنند. حسی که نسبتی با اخبار ناراحت‌کننده ندارد و مربوط به همان لحظه است.

همان لحظه که والدین و کودک در خانه کنار هم نشسته‌اند، داستانی را می‌خوانند، تصاویرش را تماشا می‌کنند، بعد براساس داستان فعالیت مشترکی تعریف می‌کنند، مثلاً اجرای نمایش خلاق، بحث و گفت‌وگو درباره پایان داستان و تغییر دادن آن، ساخت کاردستی شخصیت‌های کتاب و ... اگر دوست دارید این لحظه‌ها را تجربه کنید می‌توانید به فهرست «لاک‌پشت پرنده» مراجعه کنید، یا به نهادهای دیگری چون شورای کتاب کودک که کتاب‌های کودک و نوجوان را کارشناسی و کتاب‌های باکیفیت را معرفی می‌کنند. ورق زدن این فهرست‌ها می‌تواند کمک کند که کتابی باکیفیت و ارزش‌های ادبی و بصری برای گذراندن این لحظه‌ها انتخاب شود. لحظه‌هایی که والدین و کودکان‌شان در خانه کنارهم می‌گذرانند و با کمک بلندخوانی کتاب تجربه‌ای مشترک می‌سازند، تجربه‌ای که فایده‌های زیادی دارد؛ از ایجاد پیوند عمیق عاطفی گرفته تا زمینه سازی برای گفت‌وگو درباره مسائل و علایق کودک. کتاب کودک و نوجوان علاوه براینکه به والدین کمک می‌کند با دغدغه‌های فرزندان‌شان آشنا شوند، برای آنها هم لذت‌هایی را به ارمغان می‌آورد. کتاب‌های خوب کودک لایه‌های مختلفی دارند، لایه‌های عمیق‌تر این کتاب‌ها نه فقط مخاطبان کودک، که همه را نشانه می‌گیرد.

«نمایشگاه آنلاین من» را محمد اسماعیلی در فضای اینستاگرام راه انداخته است.

عکس نوشت

محمد اسماعیلی
عکاس

نمایشگاه آنلاین من» را محمد اسماعیلی در فضای اینستاگرام راه انداخته است. نمایشگاه عکس‌هایی از اهالی سینما که حاصل تجربه همکاری این عکاس با مطبوعات و پروژه‌های سینمایی است. او در این نمایشگاه که از ۱۳ اسفند برپا کرده قصه هر عکس و گپ و گفت‌هایش با چهره‌های سینمایی برای رسیدن به طرح هر عکس را هم روایت کرده است. این عکاس به «ایران» از تجربه برگزاری بخش اول این نمایشگاه گفته است.

ماحصل فعالیت ۱۳ ساله‌ام در عرصه عکاسی مطبوعات و پروژه‌های سینمایی، مجموعه عکس‌هایی است که تصمیم داشتم آنها را در قالب نمایشگاه یا چاپ کتاب به نمایش عمومی بگذارم. با شیوع ویروس کرونا در ایران و ابهامات همه ما نسبت به آینده، به این تصمیم رسیدم که زودتر از هر موعد نمایشگاه حضوری، بخشی از این عکس‌ها را به شکل آنلاین برای عموم به نمایش بگذارم تا دوستان علاقمند به هنر عکاسی بدون زحمت و هزینه با یک کلیک وارد نمایشگاه شوند و عکس‌ها را ببینند.

هنربدون مخاطب معنا پیدا نمی‌کند و به طور حتم هدف اولیه هر هنرمندی از خلق یک اثر اشتراک گذاری ایده‌ها و تفکراتش است. ایده من هم در برگزاری نمایشگاه عکس این بود که حرفی را با دیگران به اشتراک بگذارم، آدم‌ها عکس‌های من را ببینند، درباره آن گپ بزنند تا نسبت به مخاطبانم آگاه‌تر شوم و به تعبیر دیگر در مواجهه با مخاطب عیار کار خودم را بسنجم. خوشبختانه ثمرات ایده نمایشگاه آنلاین فراتر از تصوراتم بود و بیش از نمایشگاه حضوری برای من آورده داشت. در نمایشگاه آنلاین دایره مخاطبانم گسترده‌تر از نمایشگاه حضوری شد و برخی از هنرمندانی که عکسی در این نمایشگاه داشتند هم این آثار را به اشتراک گذاشتند. آنچه از آمار اینستاگرامی برمی‌آید بازدیدکنندگان این نمایشگاه پرمخاطب‌تر از نمایشگاه‌های غیرآنلاین عکس بود. فضای مجازی و حقیقی یک نمایشگاه البته تفاوت‌هایی هم دارد و همین تفاوت‌ها تغییراتی را هم می‌طلبد. در نمایشگاه غیرآنلاین مخاطب این فرصت را دارد که روی جزئیات عکس تمرکز کند اما محدودیت‌های اینستاگرام مانع از این تمرکز در فضای مجازی می‌شود. به همین خاطر و برای بهتر نشان دادن جزئیات تصمیم گرفتم آثار را به صورت عکس موشن منتشر کنم تا مخاطب با دقت بیشتری آن را ببیند. در فضای حقیقی کمتر فرصت پیش می‌آید که عکاس، قصه و داستان هر عکس را با دیگران به اشتراک بگذارد اما فضای اینستاگرام این فرصت را به من داد تا با مخاطبان‌مان از ایده‌های رسیدن به طرح هر عکس بگویم و قصه چگونگی ثبت آن را به صورت کوتاه روایت کنم. این ایده با فرمت آنلاین نمایشگاه همخوان بود و آدم‌ها علاوه بر دیدن عکس، قصه عکس را می‌خواندند. آن طور که از بازخورد مخاطبان دریافت کرده‌ام قصه به همراه عکس ثبت پررنگتری در ذهن آنها داشته است. مجموعه اول این نمایشگاه که شامل ۲۵ عکس با فضای پرتره و استودیویی بود تا هشتم فروردین ماه به نمایش در آمد. از مجموعه دوم که عکس‌هایی خارج از فضای استودیو هستند و فضاسازی دارند بزودی رونمایی خواهد شد. این مجموعه هم تجربه دیگری از عکاسی است که قطعاً دوست دارم با مخاطبانم به اشتراک بگذارم و نظرشان را بدانم.

شکوفایی اکران سینما در دوران پساکرونا

سخنگوی شورای عالی اکران از بازگشت قدرتمندانه در اکران و باز شدن فضا در تولید برای سینمای ایران می‌گوید

گزارش یک

نرگس عاشوری
خبرنگار

تعطیلی سالن‌های سینما ادامه دارد و آن طور که سیدمحمدمهدی طباطبایی نژاد رئیس شورایعالی اکران در آخرین گفت‌وگویش اعلام کرده احتمال بازگشایی سینماها تا قبل از اردیبهشت بشدت ضعیف است. سومین ماه تعطیلی ناخواسته در حالی در انتظار سینماهای کشور است که سینمادارن و صاحبان فیلم‌های در حال اکران از شرایط پیش‌آمده، بشدت متضرر شده‌اند. آن هم در آستانه فصل اکران نوروز که جدی‌ترین فرصت تضمین فروش فیلم‌ها محسوب می‌شود. برای جبران بخشی ازاین ضرر و زیان سازمان سینمایی طی مصوبات دومین جلسه «کارگروه بررسی آسیب های کرونا در سینما» اعلام کرده که به ازای هر سالن سینما مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال به صورت قرض الحسنه به سینماهای خصوصی اعطا خواهد کرد. پرداخت هزینه تبلیغات برای اکران فیلم‌هایی که نمایش‌شان در اسفندماه متوقف شده و همچنین پرداخت ۲۰ درصد مبلغ قرارداد به فیلم‌های دارای پروانه ساخت سینمایی و غیرسینمایی اکران‌نشده درصورت عرضه در نمایش خانگی، تمهیدات دیگر این سازمان برای جبران بخشی از آسیب‌های شیوع کرونا در سینماست. از علی سرتیپی سینمادار و تهیه‌کننده خواستیم از مصوبات حمایتی سازمان سینمایی به «ایران»بگوید و پیشنهاداتی که در این خصوص مطرح کرده است.

راهکارهایی برای رونق دوباره سینما

علی سرتیپی
سخنگوی شورای عالی اکران

این روزها شرایط استثنایی و متفاوتی را تجربه می‌کنیم. روزهای پیش رو آنقدر پر از ابهام و غیرقابل پیش‌بینی است که نمی‌توان برای آینده سینما برنامه‌ریزی کرد و برای آن قاعده و قانون و آیین نامه نوشت. بالاترین امید ما به اکران عید فطر است و امیدواریم در آینده نزدیک از به سامان شدن اوضاع و جبران تمام ضررها و زیان‌ها سخن بگوییم.

در واقع باید گفت میان تمام حوزه‌های فرهنگی، بیشترین آسیب شیوع کرونا، گریبانگیر سینما شده است. اسفند و فروردین‌ماه سینماها به طور کامل تعطیل بود و احتمالاً این روند تا پایان اردیبهشت هم ادامه خواهد داشت. در صورت بازگشایی هم سینماها با تبعات بعد از کرونا رو به رو خواهند بود. اینکه مردم دوباره عادت کنند و به سالن بروند سخت است و همت جمعی می‌خواهد. برای جبران ضرر و زیان، اهالی این حوزه به کمک دولت نیاز دارند. امیدواریم سازمان سینمایی بیشترین بودجه را از دولت بگیرد. وام ۱۰ میلیون تومانی مسکنی کوتاه مدت است و با توجه به ابعاد ضرر و زیان، قطعاً مشکلی از سینماها حل نمی‌شود. سالن‌های سینما از یک سو درآمد ندارند و از سوی دیگر کارکنانی دارند که پرداخت حقوق‌شان برعهده سینمادار است. سالن سینما مثل فروشگاه نیست که کرکره را پایین بکشیم و عرضه محصول را تعطیل شده تلقی کنیم. با وجود تعطیلی هزینه‌های سالن سینما بخصوص مجتمع‌های سینمایی پابرجا است. پیشنهاد من این است که پس از بازگشایی سینماها و بازگشت مخاطب به سالن‌ها، دولت بخشی از سهم تهیه‌کننده‌ها از فروش فیلم‌ها را تقبل کند تا هزینه باقی‌مانده برای سینمادار و جبران ضرر و زیان این ایام صرف شود. اگراین اتفاق نیفتد صاحبان سینما در پرداخت‌هایشان با مشکل مواجه خواهند شد. با توجه به هزینه بالای شب عید و عیدی و حقوق کارکنان، بسیاری از سینمادارن حق صاحبان فیلم‌ها را نپرداخته‌اند. به عنوان مثال خود ما برای فیلم «مطرب» از سینماها طلبکاریم و می‌دانیم فروش فیلم برای کارکنان سینما هزینه شده است.

برخلاف سینماها، بازار vod در ایام کرونا رونق گرفته و اقبال مخاطبان به شبکه نمایش خانگی به شکل معناداری افزایش پیدا کرده است. گرایش مردم به vod یکی از فرصت‌های ایجاد شده در شرایط کروناست که باید قدر بدانیم. فیلم‌هایی که اکران‌شان در ماه بهمن و اسفند تعطیل شد می‌توانند زودتر وارد چرخه نمایش در vod شوند. همچنین فیلم هایی که پیش‌بینی می‌شود در سالن سینما فروش خوبی را تجربه نکنند باید زودتر وارد بازار vod شوند تا برای ایام پساکرونا انباشت اکران نداشته باشیم.

همانطور که پیش ازاین اشاره شد بازگرداندن مخاطب به سینما و شلوغی سالن‌های سینما نیاز به همت جمعی دارد. مخاطبان سینما بخشی از همین مردمی هستند که از شیوع کرونا آسیب اقتصادی دیده‌اند. لازمه انگیزه آنها برای حضور در سالن‌های سینما، هم حال و هوای عمومی مناسب است و هم فیلم‌های خوب روی پرده. مردم از خانه‌نشینی خسته شده‌اند اما حضورشان در سینما هم انگیزه می‌خواهد. چینش اکران قطعاً باید ترکیب قوی باشد. در صورت لزوم می‌توانیم تعداد اکران را در هفته‌های اول محدودتر کنیم اما تعداد فیلم های خوب را بیشتر کنیم تا مردم برای دیدن فیلم‌ها ترغیب شوند.

علاوه بر چینش مناسب اکران، لازم است شرایطی به وجود بیاوریم که فیلم‌ها بیشتر در معرض دید مخاطب قرار بگیرد. دریافت امکانات تبلیغاتی مناسب منوط به حمایت شهرداری و صداوسیما است. همانطور که تا امروز مردم تشویق شده‌اند که در خانه بمانند، بعد از کرونا لازم است تشویق شوند که به سینماها و سالن‌های تئاتر بروند. اگر مردم استقبال کنند و شاهد شکوفایی در اکران باشیم، در سالن‌های سینما بعد از نیمه شب هم به روی مردم بازخواهد بود و سانس نمایش فیلم‌ها افزایش خواهد داشت. در عرصه تولید هم لازم است فضا بازتر شود و کیفیت تولید فیلم‌ها بالاتر رود و همچنین دوران پساکرونا می‌تواند فرصتی باشد برای اکران فیلم‌هایی که پروانه نمایش نگرفته‌اند، در بند توقیف هستند و احتمالاً مخاطب عطش دیدن‌شان را دارد که این به رونق بیشتر گیشه کمک خواهد کرد.

کتاب‌هایی برای خواندن در روزهای خانه‌نشینی

پیشنهاد روز

مهدی افروزمنش
نویسنده و روزنامه نگار

نمی‌دانم آیا همه آدم‌ها عیب و ایرادی دارند یا نه. روی همه تأکید می‌کنم که بدانید می‌دانم بعضی‌ها دارند و با این موضوع هم کنار آمده‌ام؛ از جمله با ایرادهای خودم. مثل یک ماه‌گرفتگی روی صورت یا سوختگی ناشی از یک شیطنت بچگی که اتفاقاً این یکی را هم دارم. درست در نیمرخ چپ صورتم، کنار پره بینی. اما آن ایرادی که می‌گویم این نیست؛ چه بسا اصلاً کلمه درستش هم ایراد نباشد. یک جور مکانیزم دفاعی باشد، یک جور نقص باشد یا حتی اینطور که خیلی‌ها، همان‌هایی که همه‌چیز را زود ارزش و ضدارزش می‌کنند یک حسن تلقی‌اش کنند. عیب من این است که در هر شرایطی کتاب می‌خوانم، وقتی می‌ترسم، وقتی خوشحالم، وقتی غمگینم، وقتی احساس جداماندگی دارم، توی انزوا، وقتی شکست خورده‌ام، وقتی پیروز شده‌ام و وقتی در قرنطینه‌ام؛ مثل الان. البته که الان این نقص، ایراد، عیب، مکانیزم دفاعی یا حُسن را خیلی کاربردی و مفید می‌دانم. انگار کرونا جدا از نغماتش برای من نعمات این چنینی هم داشته است. حوصله‌ام سر نمی‌رود، جز برای ضروریات نیازی به بیرون رفتن ندارم و خزینه کتابخانه‌ام هم به اندازه سرعت و دقتم در خواندن پر است. برای همین است که سه هفته تمام از خانه خارج نشده‌ام و احتمالاً حالاحالا هم جا دارم. به نظرم این آن بخش خوبِ کتاب خواندن است. پس اگر قبل از این مرض بزرگ، کسی درباره کتابخوانی ازم سئوال می‌پرسید و من با مِن و مِن سعی می کردم بقبولانم که خواندن اساساً ارتباط تنگاتنگی به زاویه دید ما به زندگی دارد و با اینکه به نظر من مثبت و لازمه زندگی است اما سلیقه‌ای هم هست. این روزها با قطعیت می‌گویم کتاب خواندن لازمه این شرایط است. نجات‌دهنده است. نوشداروست. مأمن است وقتی خانه به دوستاق‌خانه بدل شده. اول به این خاطر که در چارچوب دیوارها سلیقه به شکل سابقش رنگ باخته است و دوم اینکه، رک و راست انتخاب‌های محدودی پیش رو داریم. فیلم است و شبکه‌های مجازی و کتاب و کمی موسیقی که به نظر من کتاب با فاصله بهتر است. حالا بازی در زمین من و امثال من است و برای همین با اعتماد به نفس چندتایی را در مقام پیشنهاد معرفی می‌کنم که بخوانید.

بی بروبرگرد اولی را با توجه به شرایط پیش آمده و وضعیت کشور در چندماه گذشته به «پابرهنه‌ها» از زاهاریا استانکو اختصاص می‌دهم. داستان پسربچه فقیری از رومانی که درگیر ارباب ها و ندارها و میل به خواندن است. بدون شک در این انتخاب، ترجمه بی‌نظیر احمد شاملو مؤثر بوده است. بعدش به شما «تب تند امریکای لاتین» از آرتور دموسلاوسکی را معرفی می‌کنم. یک تحقیق روزنامه‌نگارانه حیرت انگیز از اتفاقات مهم دیکتاتوری‌های دهه ۷۰ و ۸۰ امریکای لاتین. این کتاب را هم دکتر روشن وزیری ترجمه کرده است. برای آنهایی هم که کمی مسأله جبر و اختیار در زندگی‌شان مهم است می توانم کتاب «لوح سپید» نوشته استیون پینکر را پیشنهاد کنم. یک تحقیق همه‌جانبه درباره مغز و تأثیراتش روی مفاهیم مختلف سیاسی- فلسفی و اجتماعی با ترجمه روان بهزاد سروری و دانیال قارونی. پینکر به قول خودش در این کتاب به انکار مدرن ذات بشر دست زده است. کتاب خواندنی دیگرم آشنایی با فلسفه است به نام «فلاسفه بزرگ» اثر برایان مگی که فوق العاده خوب و روان با فلسفه آشنا و در عین حال سرگرم‌تان می‌کند. اما بدون داستان امکان ندارد بتوانید سر کنید. به نظرم با «نقطه» آذردخت بهرامی شروع کنید. یک مجموعه داستان با محوریت خیانت. از رمان‌های رضا جولایی هر چه دم دست‌تان بود بخوانید. «دیوار» نوشته علیرضا غلامی به نظرم عالی است. در کلاسیک‌ترها «همسایه‌ها»ی احمد محمود شاهکار است. «همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها»ی رضا قاسمی را یادتان نرود و البته «اسفار کاتبان» ابوتراب خسروی. کار آخر آیدا مرادی آهنی هم وصف حال این روزهاست. اسمش «شهرهای گمشده» است. «بند محکومین» کیهان خانجانی را هم فراموش نکنید.

شهروند مجازی

یگانه خدامی

هشتگ #واکسن_کرونا

هرروز شایعات تازه‌ای درباره کشف واکسن و داروی کرونا منتشر می‌شود. هم در ایران و هم در سایر کشورهای درگیر این بیماری. با اینکه مرتب اعلام می‌شود تحقیقات برای پیدا کردن واکسن کرونا ادامه دارد این خبرهای دروغ طرفداران خود را دارد و بسرعت پخش می‌شود. خیلی‌ها درباره انتشار این خبرها و اثراتش می‌نویسند و خیلی‌ها هم شرایط دنیا را پس از عرضه واکسن کرونا پیش‌بینی می‌کنند: «نکته‌ای اساسی درباره ویروس جدید کرونا این است که همه ویژگی‌هایش یک بار برای همیشه تثبیت شده نیستند. در مورد آن می‌توان اعتبار تئوری«انتخاب طبیعی» را در حد یک ویروس جلوه‌گر دید. دگرگون شوندگی آن، موضوع واکسن را پیچیده می‌کند.»، «حس می‌کنم دانشمندان هر روز صبح جمع می‌شن دور هم یکی‌شون می‌گه خوب دوستان امیدوارم امروز واکسن کرونا رو کشف کنیم. بعد همشون می‌زنن زیر خنده و میرن سمت کنسول بازی»، «چه خوشبینانه از کوتاهی دوران کرونا و طولانی بودن پسا کرونا می‌گویند، در خوشبینانه‌ترین حالت کرونا تا زمان تولید واکسن با ما خواهد ماند»، «بابا جان واکسن کرونا رو بدین ما بریم سر کار و زندگیمون»، «هر روز سه تا واکسن ایرانی کرونا با ۱۰ تا داروی ترکیبی ایرانی کشف می‌شه. فکرم مشغول اینه که اگه ما نبودیم کی می خواست دنیا رو نجات بده»، «می‌دونید دارم فکر می‌کنم اون موقع که واکسن کرونا کشف بشه تولید انبوه بشه و برسه دستمون چه جوری می‌خوان ایرانیی رو که الان پاشدن رفتن مسافرت مجبور کنن واکسن بزنن؟»، «اینجوری که مادر ایرانی داره روند خودکفایی رو طی می‌کنه فکر می‌کنم نهایتاً دو هفته دیگه واکسن کرونا رو هم تولید کنه»، «احتمالاً تا سال‌ها به اون احساس آزاد و چرک قبلی برنمی‌گردیم! حتی اگر واکسن کرونا هم بیاد، این ترس از عفونت و ویروس نمیذاره به اون احساس رهایی قبل برگردیم»، «پروسه تولید واکسن از زمانی شناسایی تنوع آنتی‌ژنی ویروس تا توزیع واکسن ۵ تا ۶ ماه طول می‌کشه. خوشبینانه! فعلاً کسی موفق نشده تولید کنه»، «کرونا واقعاً مصیبت بزرگیه، اما مصیبت بزرگتر مال تجارت کثیفیه که بعد از کشف دارو/ واکسن این بیماری شکل می‌گیره.»، «یه دوستی نوشته بود اگه مدرسه‌ها همینجوری بسته بمونه پدر مادرا زودتر از محققا واکسن کرونا رو کشف می‌کنن...»، «دختر ۱۶ ساله تو زیرزمین خونه‌شون واکسن کرونا رو کشف نکرده؟»، :«روزی سه تا ایرانی واکسن کرونا کشف میکنن».

ماجرا

حیوان وحشی در خانه

یک سرگرمی جدید برای روزهای قرنطینه پیدا شده است. گوگل با آپدیت جدیدش این امکان را فراهم کرده که با جست‌وجوی نام یک حیوان بتوانید آن را به صورت سه‌بعدی به خانه بیاورید. یکی از کاربران در توئیتر نوشت: «بیاین براتون سرگرمی جدید آوردم، مخصوصاً برای بچه‌دارها.اسم حیوانات رو گوگل سرچ کنید و با امکان سه بعدی اونارو تو خونتون ببینید و باهاشون عکس بگیرید.»

این سرگرمی خیلی زود محبوب شد و خیلی‌ها نام حیوانات مختلف را جست‌وجو کردند و با آنها عکس گرفتند و درباره این تجربه بامزه نوشتند: «یه یوزپلنگ و یه پاندا رو به کمک گوگل سه بعدی کردم و آوردم تو اتاق. یوزپلنگ رو سقف بالا سرمون راه می‌رفت. پاندا هم تو گهواره بچه نشست. ولی سیم شارژ موبایلم برای بچه‌ام از هر دوشون جالب‌تر بود»، «کاش این گوگل انیمال حیوونای بامزه رو سه بعدی می‌کرد، آخه مار رو سه بعدی کف اتاقمون ببینیم توی این وضعیت که چی دقیقاً؟»، «روز اُنم قرنطینه. نشستیم با گرگ سه بعدی زوزه می‌کشیم تو خونه»، «خواستم به مناسبت این ایام خفاش و پانگولین بیارم تو خونه (با تصویر سه‌بعدی گوگل) که نداشت. اصلاً من بازی نمی‌کنم.»، «من پاندا آوردم رو میزم برام ساز بزنه»، «این قرتی بازی جدید سه بعدی گوگل هر چقدر برای شما گوگولی و بامزه و مهیجه، برای من وحشت‌آور و استرس‌زا و کابوسیه!»، «ورود شمارو به هفته حیوانات سه بعدی در اتاق رو تبریک میگم»، «من پاندا آوردم، در حالت نشسته ۴۰ درصد حجم خونه رو گرفته»، «یه وقت زشت نباشه ما با ۴ تا حیوون سه بعدی انقدر به وجد اومدیم؟»، «آقا از گوگل زنگ زدن گفتن واقعاً لازم نیست با همه حیوونا، همه اعضای خانواده، همه جای خونه، همه مدل عکس بگیرین. اجازه بدید حیوونا استراحت هم بکنن.»، «بچه؟! مادر و پدر من نشستن به عکس گرفتن با شیر و پلنگ»، «من سعی کردم با این بازی سه بعدی گوگل یه پنگولین بیارم وسط خونه ببینم کجاش خوردنیه. ولی پنگولین سه بعدی نداشت».